

ارتباط با بورس و به تبع آن ثبات اقتصاد ایران چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟

بدیهی است بورس علاوه بر متغیرهای کلان اقتصادی از سایر متغیرها از جمله متغیرهای سیاسی و اجتماعی هم تأثیر می‌پذیرد. بنابراین متغیرهایی نظیر رشد اقتصادی، تورم، نرخ ارز، نرخ بهره بانکی، قیمت جهانی نفت و کالاهای اساسی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری رقیب و هر عاملی که بر فضای کسب و کار مؤثر است، می‌توانند بر شرایط

بورس تأثیرگذار باشند. از این رو نمی‌توان با اطلاعات موجود پیش‌بینی مناسبی از متغیرهای یاد شده و در نتیجه قضاوتی از شرایط آتی بورس تهران ارایه داد. اما در مجموع می‌توان گفت که شرایط آتی بورس تهران بستگی تام به شرایط کلان اقتصادی کشور و چشم‌انداز مردم از فضای کسب و کار در سال‌های آتی دارد.

■ اقتصاد ایران: متشکریم.

اگر بانک‌ها قصد جذب سرمایه دارند، باید تولید و تجارت بالا برود، نه واسطه‌گری. در کشور ما بالا رفتن جذب سرمایه بانکی باعث ایجاد مشاغل کاذبی می‌شود که این مشاغل در هیچ جایی از دنیا وجود ندارند. بانک‌ها باید به عنوان یک بنگاه خدماتی به تجار و تولیدکنندگان مشاوره بدهند، نه این که تمام تلاش خود را برای جذب سرمایه بگذارند.

تعداد ایران: بخش مسکن را در کشور چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

بخش مسکن به عنوان یکی از مهمترین قسمت‌های کشور، نیازمند بخش خصوصی و مردمی است، چرا که پیشرفت آن به پیشرفت زمینه‌های دیگر خواهد انجامید. در این بخش، مردم تمایل به سرمایه‌گذاری دارند، اما همیشه از تغییر قیمت‌ها و ایجاد ضرر به جای سود نگران هستند. بانک‌ها هم که شرایط خاص خود را دارند. در این راستا پیشنهاد می‌کنم که پروژه‌های مسکونی سنگین از سوی بانک‌ها حمایت شده و اوراق مشارکت و اگنار گردد که سرمایه‌گذاران هم هیچ نگرانی برای سرمایه‌گذاری نداشته باشند و با امنیت خاطر بتوانند سرمایه خود را در اختیار پروژه‌ها بگذارند و مطمئن باشند که سیستم بانکی، پشتیبان سرمایه آنها است و هر موقع که بخواهند می‌توانند سرمایه خود را برداشت کرده و اصل و سود آن را بگیرند. تصور من این است که این طرح در حال حاضر می‌تواند رونق را به بخش مسکن کشور برگرداند و بانک‌ها هم می‌توانند به جای جذب سرمایه و طی کردن مسیرهای طولانی برای بکارگیری این سرمایه در بخش صنعت، مستقیماً این سرمایه را در اختیار بخش تولید قرار دهند و کل پروژه هم زیر نظر بانک باشد. این به معنای مشارکت مردمی در حل مشکلات اقتصادی کشور است که لازمه آن اقدام دولت در این زمینه است.

تعداد ایران: با توجه به فعالیت جناب عالی در منطقه آزاد کیش، چه مشکل عمده‌ای را در این زمینه قابل ذکر می‌دانید؟

در منطقه تجاری کیش تغییرات سریع و مداوم مدیریت، از اساسی‌ترین مشکلات است، چرا که به مدیران اجازه آشنایی و اُخت شدن با محیط را نمی‌دهد. در ۳ سال گذشته ۳ بار مدیریت این منطقه تغییر کرده و در حال حاضر، دوباره زرمزه‌هایی مبنی بر تغییر مدیریت وجود دارد. یکی از مشکلاتی که در این زمینه باعث تغییرات زیاد مدیریت شده این است که می‌خواهند همه چیز را به مدیران دیکته کنند و این مسئله حتی در رابطه با معاونان هم مطرح است. در این وضعیت، هیچ مدیری نمی‌تواند فعالیت خود را به درستی انجام دهد و این در شرایطی است که این منطقه یکی از مناطق مهم سرمایه‌گذاری در کشور است و به همین دلایل، سرمایه‌گذاران احساس امنیت نمی‌کنند. خوشبختانه در منطقه آزاد کیش ۸۰ درصد پروژه‌ها توسط بخش خصوصی

چالش‌های سرمایه در کشور

"مدیریت را جدی نگرفته‌ایم!"

مصاحبه اختصاصی با آقای حسین شیرازی‌منش، مدیر عامل شرکت سهامی تجار کیش

تعداد ایران: مهمترین مشکلات کشور در سال ۸۸ در حیطه سرمایه‌پذیری چه از بُعد داخلی و چه خارجی چه مسائلی بودند؟

مشکل ما برای جذب سرمایه در کشور، ناتوانی در ایجاد اعتماد و احساس امنیت در سرمایه‌گذاران است. این احساس امنیت خود به دو صورت نمود پیدا می‌کند. اول بحث امنیت اقتصادی است. سرمایه‌گذار باید به این باور برسد که می‌تواند سرمایه خود را خیلی سریع تبدیل به احسن کند. مسئله دیگر آن است که سرمایه‌گذار بتواند

بین بخش‌های اجرایی مسئله دیگری است که سرمایه‌پذیری در کشور را با مشکل مواجه نموده است. در این رابطه دولت هزینه‌های کلانی متقبل می‌شود، ولی متأسفانه بخش‌های اجرایی تمام تلاش‌های دولت را با سهل‌انگاری از بین می‌برند.

در کنار این موارد، از بُعد اقتصادی هم شاهد مشکلاتی در کشور هستیم. به عنوان نمونه، نرخ بهره بانکی در ایران عموماً در تمام دوره‌ها مشکل‌ساز بوده، به طوری که این نرخ در غالب مواقع از بسیاری از کشورها بالاتر بوده است. نرخ سپرده و نرخ بهره وام‌هایی هم که به تولیدکنندگان داده می‌شود اختلاف زیادی با یکدیگر دارند که این مسئله باعث می‌شود بانک‌ها نتوانند مشتریان را جذب کنند و درست در جایی که باید رونق باشد، رکود ایجاد می‌شود. نرخ ارز در کشور ما مشکلاتی را برای صادرکنندگان به وجود آورده است، به طوری که عدم پرداخت ارز واقعی سبب شده تا صادرکنندگان دیگر



در هر برهه‌ای از زمان سرمایه خود را جابه‌جا نماید و برای این کار مشکلی نداشته باشد. البته باید اذعان داشت که خوشبختانه تلاش‌های زیادی در این زمینه و در سال‌های اخیر صورت پذیرفته است. اما یکی از دلایل اصلی که سرمایه‌گذاری در کشور ما با استقبال چندانی روبه‌رو نیست، آن است که مجریان پروژه‌ها در کشور ما به صورت سلیقه‌ای عمل می‌کنند. به عنوان مثال،

ممکن است در یک منطقه، یک مجری سرمایه‌گذاران زیادی را جذب کند، اما در همان منطقه، مدیر دیگر با سیاست‌هایی که اتخاذ می‌کند، نه تنها باعث جذب سرمایه‌گذار نمی‌شود، بلکه حتی آنها را دفع هم می‌نماید. البته باید این مسئله را هم متذکر شوم که در سرمایه‌گذاری‌های خارجی مسایل سیاسی نیز دخالت دارند. اقتصاد جهانی تصمیم می‌گیرد که در یک منطقه جغرافیایی هیچ سرمایه‌گذاری صورت ندهد، به این دلیل می‌بینیم که حتی سرمایه‌گذاران ایرانی مقیم خارج هم خیلی سخت جذب سرمایه‌گذاری می‌شوند.

کشور ما پتانسیل سرمایه‌گذاری بسیار بالایی دارد، اما مسئولان ما باید به این مسئله توجه نمایند که سرمایه‌گذار را تا آخرین لحظه همراهی و پشتیبانی کنند. عدم هماهنگی

تمایلی به صادرات نداشته باشند، چرا که این قشر، بیشتر از آن چیزی که از نرخ اسمی ارز دریافت می‌کنند، باید برای هزینه‌های خود پرداخت نمایند.

از طرفی به خاطر نوسانات شدیدی که نرخ بهره بانکی در کشور ما دارد، سیستم بانکی و نرخ نامتعارف بهره بانکی، اقتصاد ما را دچار مشکلات اساسی کرده است و متأسفانه این بانک‌ها هستند که رشد می‌کنند، ولی شاهد رشد اقتصاد نیستیم. برای نمونه در کیش که جمعیت ۲۵ هزار نفری دارد، بیش از ۷۰ شعبه بانکی وجود دارد و این در حالی است که بیشتر ساکنان این جزیره، زندگی روزمره خود را به سختی اداره می‌کنند. متأسفانه ما هنوز به نقطه‌ای نرسیده‌ایم که بتوانیم سیستم بانکی خود را با سایر کشورها هماهنگ کنیم.

انجام می‌گیرند و از آنجا که بخش خصوصی وابستگی زیادی به دولت ندارد، راحت‌تر می‌تواند فعالیت کند، اما در نهایت، تغییرات مدیران دولتی در این منطقه بر کل اقتصاد منطقه تأثیر سوء می‌گذارد.

اقتصاد ایران: اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها چه تأثیری بر اقتصاد خانوار و صنعت کشور دارد؟

قبل از پاسخ گویی به سؤال شما باید این مسأله را ذکر کنم که در کشور ما در مقوله یارانه‌ها عدالت برقرار نبوده است. در بسیاری از مناطق محروم جامعه هموطنان ما از امکانات انرژی همانند شهرهای بزرگ استفاده نمی‌کنند.

در حال حاضر، دولت تصمیم گرفته که این یارانه‌ها را به تعبیر خود هدفمند کند. یقیناً در آینده‌ای نزدیک شاهد آن خواهیم بود که فشار این مسأله تماماً بر بخش تولید و خدمات خواهد بود. اگر در هدفمندی یارانه‌ها بخش تولید مورد توجه قرار نگیرد و شرایط لازم آنها در نظر گرفته نشود، مطمئناً این قانون، تأثیری جز فلج کردن بخش تولید نخواهد داشت. تولیدکننده‌ای که نتواند هزینه انرژی را بپردازد، دیگر توان تولید کردن را هم ندارد. اما اگر بخوایم به این مسأله به صورت اقتصادی نگاه کنیم، بی‌شک باید یارانه پرداختی حذف شود. چند سال پیش، شاهد بودیم با حذف یارانه مربوط به تولید نان، برخی از نانواهایی که نرخ خود را تغییر داده که این مسأله سبب شد صف‌های طولانی نان کاهش پیدا کند، یعنی مردم تلاش کردند برای پول پرداختی به نان کمترین سطح اسراف را داشته باشند. علاوه بر این کیفیت نان هم بالا رفت، چرا که نانوا به خاطر سودی که از مشتری دریافت نمود، ملزم به پاسخ‌گو بودن در برابر مشتری هم شد. اما در بخش انرژی، به اعتقاد من دولت باید کارگروه‌های خود را در هر بخش تشکیل داده و اول از همه از بخش تولید حمایت کند و بررسی کند که اگر قرار است قیمت انرژی ۴ برابر شود، آیا تولید در حالی است که این اختلاف هزینه را پوشش دهد یا خیر؟ متأسفانه این سنجش‌ها در بخش تولید انجام نشده و بدون در نظر گرفتن این مسایل، آینده تولیدی کشور در بلا تکلیفی قرار گرفته است.

اقتصاد ایران: تأثیرات برخی مسایل خارجی همچون تحریم‌ها را بر اقتصاد کشور برای سال ۸۹ چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟

اولاً تحریم به هر شکلی که باشد بد است و هر زمان که تحریم شویم به خاطر فشارهایی که بر جامعه وارد می‌شود، اداره امور از مسیر خود منحرف خواهد شد و هیچ دولتی دوست ندارد که تحریم اقتصادی شده و دنیا با آن مبارزه کند. طبعاً مسئولان ما بر این مسأله اشراف دارند و طوری برنامه‌ریزی می‌کنند که جلوی این مسأله را بگیرند. علاوه بر آن، به نظر من دولت باید تلاش کند روابط خود را با مردم بهینه سازد و حمایت‌هایش حمایت‌های واقعی باشند. در این صورت، هنگامی که دولت با مشکل مواجه

می‌شود، مردم خود را در این مشکل سهیم می‌دانند و در پایین آوردن مشکلات دولت همیاری و تلاش خواهند کرد. من مطمئن هستم که مردم ما مثل همیشه از دولت جلوتر خواهند بود و از کشور و دولت حتماً پشتیبانی

خواهند کرد. لذا دولت باید شرایط را برای حضور مردم در اقتصاد فراهم سازد.

اقتصاد ایران: متشکریم.

کم درآمدها را دریابیم

نگاه دکتر حسین راغفر، استاد دانشگاه الزهراء، به اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها



سال آینده چه به لحاظ موارد سیاسی و چه به لحاظ مباحث اجتماعی و اقتصادی سالی پرتحول خواهد بود. مهمترین بند در ارتباط با این مسأله به مقوله هدفمندی یارانه‌ها برمی‌گردد. این طرح که در

بلند مدت آزادسازی تمام قیمت‌ها را مدنظر دارد، می‌تواند آسیب‌هایی جدی به جامعه وارد آورد. به عنوان مثال، چندی پیش بحث خصوصی‌سازی مدارس یا آزادسازی تعرفه خدمات بهداشتی در کشور بیان شد که ظاهراً به تبعات آنها توجهی نشده است. متأسفانه اجرای موارد این چنینی، اثرات رفاهی نامناسبی بر بخش‌های اقتصادی کشور بر جای می‌گذارد که بیشترین آسیب آن متوجه طبقه کم درآمد جامعه و قشری که درآمد ثابت دارند خواهد شد. به نظر می‌رسد لایحه هدفمندسازی یارانه‌ها که به قانون بدل گشته است، بیشتر در راستای تأمین کسری بودجه دولت است.

متأسفانه نکته‌ای که در این رابطه بیان توجه نشده، این است که اجرای این طرح که هدف کسری بودجه را در نظر دارد، با رشد قیمت‌ها، به جای کاهش کسری بودجه به افزایش آن منجر خواهد شد. در این بین بد نیست به کسری بودجه دولت در سال ۸۷ اشاره شود، به طوری که این رقم در قیاس با سال ۸۳ به سه برابر افزایش یافت و پیش‌بینی می‌گردد که در سال بعدی و تنها در مقایسه با سال قبل از آن، دو برابر شود. علاوه بر رشد شدید قیمت‌ها - که در خوش‌بینانه‌ترین پیش‌بینی‌ها معادل ۴۵ درصد بیان شده است - در سال بعد شاهد رکود شدیدی در اقتصاد کشور خواهیم بود که مجموعه این دو (تورم و رکود شدید)، ممکن است به ناآرامی‌های اجتماعی منجر شود که تأثیرات مخربی بر سرمایه‌گذاری خواهد داشت. مضاف بر این مطلب نباید گسترش فقر و نابرابری در جامعه را از یاد برد. به عنوان مثال، با یک برآورد بسیار ساده‌ای که صورت گرفته است، با افزایش تعرفه خدمات پزشکی در کشور، حدود ۲ میلیون نفر به فقرای جامعه افزوده خواهد شد. بر اساس تحقیقاتی که نگارنده انجام

داده است، ۴ درصد جمعیت کشور به دلیل هزینه بالای خدمات پزشکی و فقدان پوشش‌های بیمه‌های تأمین اجتماعی در "دامنه مخارج کمرشکن پزشکی" قرار دارند که با وقوع چنین اتفاقی، به زیر خط فقر سقوط خواهند کرد که این رقم در شهر تهران معادل ۱۱ درصد است. همچنین در حال حاضر بر اساس آمارهایی که برای این شهر بیان گردیده است، ۲۲ درصد ساکنین تهران زیر خط فقر مطلق هستند و بی‌شک با افزایش یا آزادسازی تعرفه خدمات پزشکی، آسیب‌های جدی به سلامت شهروندان تهرانی وارد خواهد شد که از تبعات آن، کاهش امید زندگی در کشور خواهد بود.

رشدی منفی در اقتصاد

متأسفانه علیرغم آن که بعضاً گفته می‌شود صنایع کشور نگران اجرای این طرح نباشند، از آنجا که هیچ بخشی از اجرای این طرح بیان نشده، بخش صنعت و تولید کشور با اجرای این طرح آسیب‌های جدی خواهند پذیرفت. به عنوان مثال، بیان نشده که قرار است به چه بخش‌هایی در ارتباط با اجرای این طرح کمک شود که اگر این کمک صورت نگیرد، بخش مذکور، چگونه و به کجا برای احقاق حق خود مراجعه کند؟ متأسفانه این مسأله زمینه‌ای را برای رانت‌خواری در جامعه به وجود خواهد آورد و این امکان فراهم می‌شود که سوء استفاده‌های مالی بسیاری در اثر زد و بندها و ارتباطات برخی از افراد فاسد صورت پذیرد. علاوه بر مطالب فوق، نباید فشار نیروی کار به کارفرما را برای افزایش دستمزد از یاد برد. در این بین کارفرما یا افزایش دستمزد را قبول می‌نماید و یا از ارتقای آن سر باز می‌زند. در حالت اول، هزینه‌های کارفرما افزایش می‌یابند که این مسأله در کنار واردات بی‌رویه در کشور - که قدرت رقابت بسیاری از بخش‌ها را از بین برده است - به تعطیلی بخش‌های تولید خواهد انجامید. در حالت دیگر، اگر کارفرما با افزایش دستمزدها موافقت ننماید، بی‌شک شاهد کاهش شدید بهره‌وری نیروی کار در کشور خواهیم بود که به دنبال آن شاهد اعتراض‌های کارگری و ناآرامی در جامعه خواهیم بود. در کل می‌توان سال ۸۹ را سال افزایش بیکاری و تورم و عمیق‌تر شدن هرچه بیشتر رکود در کشور دانست.